

## چاه اریس: از چاه‌های مدینه در غرب مسجد قبا

چاه اریس، در دو میلی مدینه (بیش از سه کیلومتر)، در بستانی در غرب مسجد قدیم قبا<sup>۱</sup> قرار داشته است. در گزارشی، آورده‌اند که این چاه و زمین‌های اطراف را عثمان خرید.<sup>۲</sup> از این رو از آن به عنوان صدقه عثمان یاد کرده‌اند.<sup>۳</sup> گاه اریس را احتمالاً به تصحیف، اویس خوانده‌اند.<sup>۴</sup>

اریس، به معنای کشاورز در کاربرد شامیان، به کشاورزان سواحل دجله و فرات اطلاق می‌شد و به آن‌ها نسبت اریسی می‌دادند.<sup>۵</sup> چاه مذکور، به کشاورزی یهودی، به نام اریس، تعلق داشته و به نام او شهرت یافته است.<sup>۶</sup> بر اساس این دیدگاه لغوی می‌توان گفت که این فرد یهودی، پیش‌تر در سواحل دجله و فرات کشاورزی می‌کرده و سپس به مدینه کوچیده است. برخی واژه

اریس را برگرفته از واژه عبری اریس به معنای رئیس دانسته‌اند.<sup>۷</sup>

این چاه، به سبب افتادن انگشتر پیامبر ﷺ در آن، به نام بئر النبی و بئر الخاتم<sup>۸</sup> نیز شناخته می‌شود. برخی برآنند نام اصلی و درست این چاه، بئر الخاتم است؛ زیرا نام بئر الخاتم، در تلقی امروزی مردم مدینه، کاربرد دارد و این‌که اریس نام منطقه‌ای در نزدیکی قبا دارای چند چاه از جمله بئر الخاتم بوده است.<sup>۹</sup> در منابع، درباره استفاده پیامبر اکرم ﷺ از آب چاه اریس، به گزارشی بر اساس مشاهدات ابوموسی اشعری استناد شده است. به گفته اشعری، ظاهراً در روزی که او محافظ پیامبر ﷺ بوده، حضرت وارد محوطه ساختمان چاه اریس شده و بر جایگاهی که برای نشستن دو سه نفر کفاف می‌کرده، نشسته و با کنار زدن خاک‌ها، دو پای خود را به سمت چاه دراز کرده، سپس با آب چاه وضو گرفته‌اند. بعد از آن، به ترتیب، ابوبکر و عمر و عثمان، با اجازه پیامبر ﷺ وارد شده و تنها دو نفر نخست کنار ایشان نشسته و وضو گرفته‌اند.<sup>۱۰</sup> گاه این گزارش را درباره

۱. سبل الهدی، ج ۷، ص ۲۲۲؛ البداية و النهایه، ج ۷، ص ۱۵۵؛ المدینة بین الماضي و الحاضر، ص ۲۵۵.
۲. المدینة بین الماضي و الحاضر، ص ۲۵۶-۲۵۷.
۳. نک: تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۸۷؛ ج ۳، ص ۱۱۰۶؛ حجاز در صدر اسلام، ص ۳۶۳.
۴. تاریخ مکه المشرفه، ج ۲، ص ۱۳۸.
۵. لسان العرب، ج ۶، ص ۵؛ تاج العروس، ج ۸، ص ۱۸۱، «ارس»؛ موسوعة التنبات المقدسه، ج ۳، ص ۶۴.
۶. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۲۱؛ تاریخ معالم المدینه، ص ۲۵۱.

۷. تاج العروس، ج ۸، ص ۱۸۱، «ارس»؛ دائرة المعارف بستانی، ج ۳، ص ۲۷۳.
۸. الجواهر الثمینة، ص ۹۱؛ تاریخ معالم المدینه، ص ۲۵۱، ۲۵۳، ۳۰۲.
۹. نک: المدینة بین الماضي و الحاضر، ص ۲۵۶-۲۵۵.
۱۰. اثار التریغیب، ج ۲، ص ۳۶۴-۳۶۶.

خبر از کمی آب چاه اریس هم داده‌اند<sup>۹</sup> و گفته شده انگشتر پیامبر ﷺ که به عثمان رسیده بود، در این چاه افتاد.<sup>۱۰</sup> داستان انگشتر را این گونه آورده‌اند که این انگشتر نبوی به عنوان مهر حکومتی از پیامبر ﷺ به خلفای بعد از او رسیده، نزد خلفای اول تا سوم نگهداری می‌شد.<sup>۱۱</sup> اما در سال سی‌ام هجری<sup>۱۲</sup>، هنگامی که عثمان سر چاه اریس، با آن بازی می‌کرد یا به کارگران فرمان می‌راند، در چاه افتاد.<sup>۱۳</sup> سپس خالی کردن آب چاه و تلاش‌های بسیار نتیجه نداد و اثری از انگشتر یافت نشد.

برخی آورده‌اند که شورش علیه عثمان و کشته شدن او، بعد از گم شدن این انگشتر بود؛ زیرا به زعم اینان، با افتادن انگشتر در چاه، برکت آن به پایان رسید.<sup>۱۴</sup> در عین حال، گم شدن انگشتر نبوی به چاه قریصه<sup>۱۵\*</sup> و چاه یسره<sup>۱۶\*</sup> هم نسبت داده شده و گاه گفته‌اند که

۹. البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۱۵۵؛ الروض المعطار، ص ۲۲.

۱۰. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۲۶.

۱۱. التنبیه و الاشراف، ص ۲۵۴؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۴۶۵؛ البدایة و

النهایة، ج ۵، ص ۳۵۶.

۱۲. تاریخ الموصل، ج ۱، ص ۶۱.

۱۳. امتاع الاسماع، ج ۷، ص ۴۷.

۱۴. اسد الغابه، ج ۴، ص ۴۶۵؛ التعریف بما أنست الهجره، ص ۱۵۱؛

نک: تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۱۱۰۷.

۱۵. سیل الهدی، ج ۷، ص ۲۳۰.

۱۶. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۴۲.

چاه‌های دیگری غیر از اریس آورده‌اند.<sup>۱</sup> آنچه از مجموع گزارش‌ها بر می‌آید این است که از چاه اریس یا بشر الخاتم، پیامبر اکرم ﷺ استفاده کرده و از آب آن نوشیده و وضو گرفته است.<sup>۲</sup> در نقلی، گزارش داده‌اند که پیامبر ﷺ به عنوان تبرک، در آب چاه اریس دمیده است.<sup>۳</sup> اما اصل این نقل، گاه با موافقت و گاه با مخالفت برخی حدیث‌شناسان مواجه شده است.<sup>۴</sup> برخی سفرنامه‌نویسان ظاهراً به اقتباس از فرهنگ عمومی آورده‌اند که آب چاه اریس در آغاز تلخ بوده و با متبرک کردن آن از سوی پیامبر ﷺ شیرین شده است.<sup>۵</sup> نیز گاه به پیشنهاد برخی از صحابه، مبنی بر استفاده از آب این چاه در غسل بدن پیامبر اکرم ﷺ، اشاره شده است.<sup>۶</sup> آب چاه اریس گوارا توصیف شده و<sup>۷</sup> در اطراف آن، بستان‌های سرسبز و قلعه‌های برجسته برقرار بوده است.<sup>۸</sup> در عین حال، گاه

۱. سیل الهدی، ج ۷، ص ۲۲۸.

۲. نک: امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۵۶۷؛ المدینه بین الماضی و الحاضر، ص ۲۵۸.

۳. تذکره بالاخيار، ص ۱۵۵؛ تاریخ معالم المدینه، ص ۲۵۴.

۴. الرحلة الورثیالیة، ج ۲، ص ۵۶۸.

۵. تذکره بالاخيار، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۶. امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۵۶۷.

۷. بهجة النفوس، ج ۱، ص ۳۰۶؛ الدرر الثمینة، ص ۵۹.

۸. الجواهر الثمینة، ص ۹۱؛ جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج ۱، ص ۱۶۴.

انگشتر از دست عثمان، در چاه خریف، در منطقه اریس افتاد<sup>۱</sup> که احتمال می‌رود نام چاه خریف را برای چاه اریس به کار برده باشند. احتمال یک‌بار رخ دادن گم شدن انگشتر و اشتباه گزارشگران و فراموش کردن نام چاه وجود دارد. احتمال دیگر این است که انگشتر از دست عثمان در چاه اریس افتاده و هیچ‌گاه یافت نشده، اما پیش‌تر از دست خود پیامبر ﷺ در چاه قریصه افتاده است، اما ظاهراً آن را پیدا کرده‌اند. (← چاه قریصه)

ابن نجار (م. ۶۴۳ق.). عمق چاه اریس را ۱۴ ذراع و یک شبر (بیش از ۷ متر)، پهنایش را ۵ ذراع (۲/۵ متر) و طول دهانه و نشستگاه آن را ۳ ذراع (۱/۵ متر) اندازه گرفته است.<sup>۲</sup> یک سده بعد، مطری (م. ۷۴۱ق.) موقعیت چاه اریس را در میانه باغستانی متعلق به شرفای بنی‌حسین (امرای مدینه) توصیف کرده<sup>۳</sup> و افزوده که نزدیک چاه اریس، خانه‌ای برای سکونت خادمان مسجد قبا و قلعه‌هایی برای نگهبانی، ساخته شده است.<sup>۴</sup> نجم‌الدین یوسف رومی (م. ۷۳۵ق.) از وزیران عهد ممالیک، برای چاه پله‌هایی تا رسیدن به آب

ساخت.<sup>۵</sup> سپس فردی با نام شیخ صفی‌الدین ابوبکر بن احمد سلامی چاه اریس را در سال ۷۱۴ق. بازسازی کرد و تا محل آب، برای آن پله و جاپا تعبیه نمود.<sup>۶</sup> سپس در دوره عثمانی این پله‌ها بازسازی شد.<sup>۷</sup> سمهودی (م. ۹۱۱ق.) خبر تعمیر پله‌های چاه از سوی نجم‌الدین رومی و سپس صفی‌الدین سلامی را بررسی کرده و احتمال داده که کار سلامی، نخست صورت گرفته و سپس رومی تعمیر آن را ادامه داده و تکمیل کرده است. در زمان سمهودی، چاه اریس، در ملکیت فردی به نام برهان‌الدین قطان بوده و بر سر استفاده از آن، با یکی از مالکان باغ‌های نزدیک، اختلاف داشته است.<sup>۸</sup> جای چاه اریس، تا پیش از بازسازی مسجد قبا، مشخص بوده<sup>۹</sup>، اما امروزه به دنبال توسعه مسجد، در داخل مسجد، واقع شده است.<sup>۱۰</sup> اکنون در ضلع غربی مسجد قبا، حوض و آبشاری هست که به گفته برخی از شاهدان، همان محل قدیمی چاه اریس است. روی چاه اریس، پیش از خرابی و توسعه مسجد، قبه‌ای

۵. تاریخ المدینه، ابن فرحون، ص ۲۴۲.

۶. بهجة النفوس، ج ۱، ص ۳۰۶.

۷. تاریخ معالم المدینه، ص ۲۵۴.

۸. وفاة الوفاء، ج ۳، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۹. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۵۳.

۱۰. اطلس تاریخ اسلام، ص ۳۰۶.

۱. المدینة بین الماضی و الحاضر، ص ۲۵۶.

۲. الدرة الثمینة، ص ۶۰ التعریف بما أنست الهجره، ص ۱۵۱.

۳. التعریف بما أنست الهجره، ص ۱۴۹.

۴. التعریف بما أنست الهجره، ص ۱۵۱.

خلدون (العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر): عبدالرحمن بن محمد عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به کوشش خلیل شحاده و سهیل صادق زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ المدینة المنورة (اخبار المدینة النبویه): عمر بن شبة النمیری (م. ۲۶۲ق.)، به کوشش فهیم محمد شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ المدینة المنورة (نصیحه المشاور و تعزیه المجاور): عبدالله بن محمد بن فرحون (م. ۷۶۹ق.)، به کوشش حسین شکری، بیروت، دار الارقم؛ تاریخ الموصل: یزید بن محمد الازدی (م. ۳۳۴ق.)، به کوشش احمد عبدالله، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق؛ تاریخ مدینه: احمد بن عبدالله الرازی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش حسین بن عبدالله، بیروت، دمشق، دار الکفر- دار الکفر، عاصر، ۱۴۰۹ق؛ تاریخ مکه المشرفة و المسجد الحرام و المدینة الشریفة و القبر الشریف: محمد بن الضیاء (م. ۸۵۴ق.)، به کوشش العدوی، مکه، مکتبه التجاریة مصطفی احمد الباز، ۱۴۱۶ق؛ تذکرة بالاخبار عن اتفاقات الاسفار (رحلة ابن جبیر): محمد بن جبیر (م. ۶۱۴ق.)، بیروت، مؤسسه العربیه دارالسویدی، ۲۰۰۸م؛ التعریف بما أنست الهجره من معالم دارالهجره: محمد بن احمد المطری (م. ۷۴۱ق.)، به کوشش الرحیلی، ریاض، دار الملک عبدالعزیز، ۱۴۲۶ق؛ التنبیة و الاشراف: علی بن الحسین المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، بیروت، دار الصعب، بی تا؛ جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی: حسین قره چانلو، تهران، سمت، ۱۳۸۰ش؛ الجواهر الثمینه فی محاسن المدینه: محمد کبریت الحسینی (م. ۱۰۷۰ق.)، به کوشش محمد حسن اسماعیل، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق؛ حجاز در

بوده است.<sup>۱</sup> این توصیف را برخی دیگر با گفتن این که محل قدیم چاه اریس، در مقابل در غربی میانه مسجد قبا و در فاصله ۵۰ متری در سنگفرش پیاده‌رو خیابان آسفالته قرار دارد، بیان کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### ◀ منابع

آثار اسلامی مکه و مدینه: رسول جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ اشارة الترغیب و التشویق الی المساجد الثلاثة و البیت العتیق: محمد بن اسحاق الخوارزمی (م. ۸۲۷ق.)، به کوشش محمد حسین الذهبی، مکه، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۸ق؛ اطلس تاریخ اسلام: ابوالفضل بنانی کاشی، تهران، مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، نشر تکا، ۱۳۸۹ش؛ امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع: احمد بن علی المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید النمسی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ البدایة و النهایة فی تاریخ: اسماعیل بن عمر بن کثیر (۷۰۰-۷۷۴ق.)، بیروت، مکتبه المعارف، ۱۴۱۱ق؛ بهجة النفوس و الاسرار: عبدالله المرجانی (م. ۶۹۹ق.)، به کوشش محمد عبدالوهاب، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۲م؛ تاج العروس من جواهر القاموس: مرتضی الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ تاریخ ابن

۱. تاریخ مدینه صنعاء، ص ۶۶۲؛ آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۵۳؛ المدینة بین الماضي و الحاضر، ص ۲۵۵.  
 ۲. تاریخ معالم المدینه، ص ۲۵۴؛ المدینة بین الماضي و الحاضر، ص ۲۵۵.

صدر اسلام: صالح احمد العلی، ترجمه  
عبدالمحمد آیتی، تهران، مشعر، ۱۳۷۵ش؛ دائرة  
المعارف: قاموس عام لكل فن و مطلب، بطرس  
البيستاني (۱۸۱۹-۱۸۸۳)، بيروت، دار المعرفة.  
علی احمدی میرآقا



### چاه اعواف: از چاه‌های متبرک مدینه و از موقوفات پیامبر ﷺ

چاه اعواف از چاه‌های مدینه، واقع در  
منطقه عوالی<sup>۱</sup> و از موقوفات پیامبر ﷺ است.  
این چاه در باغ اعواف<sup>۲</sup>، از هفت باغ مخیریق  
یهودی قرار داشت که طبق وصیت او، پس از  
شهادتش در نبرد احد (سال سوم) به پیامبر ﷺ  
رسید<sup>۴</sup> و آن حضرت، در سال هفتم هجرت،  
وقف مسلمانان کرد.<sup>۵</sup> این در حالی است که  
منابع شیعی، از وصیت فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام،  
در خصوص اعواف و دیگر باغ‌های مخیریق،  
یاد کرده‌اند.<sup>۶</sup>

برخی چاه اعواف را از اموال خنافه،  
از بزرگان یهود و جد ریحانه همسر  
رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته‌اند.<sup>۷</sup> برخی اعواف را نام  
واحه‌ای بزرگ<sup>۸</sup> یا نام محله‌ای<sup>۹</sup> در مدینه  
دانسته‌اند که این چاه در آن قرار داشت. در  
گزارشی از ابن شهبه (م. ۲۶۲ق.) آمده که  
رسول خدا کنار چاه اعواف وضو ساخت،  
آب وضوی آن حضرت بر زمین جاری شد، و  
آن جا درختی روید.<sup>۱۱</sup>

سمهودی (م. ۹۱۱ق.) موقعیت این چاه را  
میان تعداد فراوان چاه‌های واحه اعواف  
نامشخص دانسته و تنها چاهی که احتمال  
می‌دهد همان چاه اعواف باشد را نیز خشک و  
بی‌آب معرفی کرده است.<sup>۱۲</sup> این در حالی  
است که ایوب صبری پاشا (م. ۱۲۹۰ق.)، در  
توصیف هفت باغ مخیریق، آن‌گاه که از باغ و  
چاه اعواف یاد می‌کند، موقعیت آن را  
مشخص می‌داند.<sup>۱۳</sup> از موقعیت کنونی چاه  
اطلاعی در دست نیست.

۱. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۲۴؛ المعالم الاثیره، ص ۳۱.

۲. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۵۹، ۱۷۵؛ اخبار المدینه، ص ۲۱۲.

۳. المعالم الاثیره، ص ۳۱؛ نک: وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۵۰-۱۵۲.

۴. المغازی، ج ۱، ص ۳۷۸؛ تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۷۳؛ وفاء الوفاء،  
ج ۳، ص ۱۵۴.

۵. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۷۵؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۵۱؛ المعالم  
الاثیره، ص ۱۵۷.

۶. الکافی، ج ۷، ص ۴۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۴۴؛  
تهذیب، ج ۹، ص ۱۴۴-۱۴۵.

۷. تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۸۴.

۸. وفاء الوفاء، ج ۱۳، ص ۱۲۴.

۹. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۵۴.

۱۰. عمدة الاخبار، ص ۲۰۷.

۱۱. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۵۹.

۱۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۲۴.

۱۳. موسوعة مرأة الحرمین، ج ۴، ص ۸۰۷.